

بازخوانی دیدگاه‌ها و مناقشات

در باب روایت شیخ طریحی (م ۱۰۸۷ق) از حدیث کساء

رسول جعفریان^۱

روح الله توحیدی نیا^۲

چکیده

برخی از رویدادهای بحث برانگیز در تاریخ تشیع، به تقابل دو یا چند جریان فکری درباره اصلت یا مضمون روایات برمی‌گردد. محور یکی از این مجادلات - که نزدیک به دو قرن پیشینه دارد - روایتی متفاوت از واقعه کساء است. اصل حدیث، هرچند در منابع شیعه و سنی به ثبت رسیده، اما این روایت - که با ساختار ادبی و داستانی از زبان حضرت زهرا علیها السلام نقل شده و موجب برانگیختن احساسات شنوندگان می‌شود - هر از چندی موجب تقابل دو جریان فکری شد که آخرین بار در یک دهه گذشته رخ داد. هدف نوشته حاضر اثبات یا رد این روایت مذکور نیست، بلکه تلاش شده تا پس از بررسی اجمالی شخصیت نخستین نقل‌کننده روایت و انگیزه وی، به مهم‌ترین نظریات و اقدامات علما، محققان و عموم شیعیان در مقاطع مختلف زمانی در این باره پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: حدیث کساء، شیخ طریحی، مرثیه و روایات داستانی، مفاتیح الجنان.

مقدمه

واقعه کساء در اخبار متعدد و با اسناد گوناگون در منابع قدیمی شیعه^۳ و اهل سنت^۴ آمده

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران؛ ras.jafarian@gmail.com

۲. طلبه حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ roholahthohidi@yahoo.com

۳. برای نمونه، رک: تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹۳؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۱۱؛ الکافی، ج ۲، ص ۸؛ الامالی، ص ۳۶۸؛ نهج الحق و کشف الصدق، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۴. برای نمونه، رک: المسند، باب بدایة مسند عبدالله بن العباس و باب حدیث واثلة بن الاسقع؛ السنن، باب «من سورة

است. هر چند این روایات از جهت محتوا یکسان نیست، اما مسلم است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عبایی بر روی خود، امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام افکند و فرمود: خداوندا، اینان خاندان من هستند، رجس و آلودگی را از آن‌ها دور کن.

و در این هنگام آیه معروف به تطهیر^۵ نازل گردید. بزرگان و نویسندگان شیعه همواره از این واقعه به عنوان دلیل عصمت پنج تن و به طور کلی امامت امامان یاد کرده و به آن استناد نموده‌اند؛ چنان‌که امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خود در جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله یا ام سلمه^۶ برای اثبات برتری امام علی علیه السلام، این واقعه را تکرار می‌نمودند. در اوایل عصر غیبت نیز متکلمان امامیه بارها از این واقعه برای اثبات امامت^۷ و عصمت اهل بیت علیهم السلام در کتب خود بهره گرفتند^۸ و بر همین اساس نیز، تفاسیر اهل سنت درباره شأن نزول آیه تطهیر - که در بیشتر موارد آیه را متوجه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و یا خویشاوندان آن حضرت می‌دانستند - مردود اعلام کردند.^۹ تا این جای بحث، مسیر روشن است و شیعیان تلاش زیادی برای گردآوری طرق این روایت از منابع سنی نموده و درباره دلالت آن بحث کرده‌اند. از ظاهر امر چنین برمی‌آید که در این زمینه، میان شیعیان هیچ اختلافی نیست؛ اما از اواخر قرن یازدهم هجری به این سوی، متن و خبری مفصل از این واقعه مطرح شد که سخت مورد توجه مؤمنان قرار گرفته و بیش از هر چیز به عنوان دعایی برای توسل به اهل بیت علیهم السلام، و نه احتجاج به حقانیت و برتری اهل بیت علیهم السلام، مورد توجه قرار گرفت. از نظر شیعیان و مطابق بسیاری از روایات، نقل فضائل ائمه علیهم السلام در هر جلسه‌ای موجب مغفرت و اجزای سوی پروردگار خواهد شد،^{۱۰} اما مسأله مورد بحث آن بود که آیا می‌توان این خبر و محتوای آن را به شکلی که پیش از قرن یازدهم سابقه ندارد، مستند به بیان حضرت زهرا علیها السلام و مورد قبول

الاحزاب: «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۱، ص ۱۹۵؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۱۷؛ منهاج السنه، ج ۵، ص ۱۳.
 ۵. سوره احزاب، آیه ۲۳.
 ۶. الخصال، ج ۲، ص ۳۳۵ و ۵۶۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۷۸.
 ۷. الامالی، ص ۵۵۹.
 ۸. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۷۲.
 ۹. بررسی مسائلی کلی امامت، ص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۰۱۸.
 ۱۰. برای مشاهده اسامی متکلمان و کتب آن‌ها، رک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۷ و ۲۹۸.
 ۱۱. برای نمونه: جامع البیان، ج ۲۲، ص ۷؛ فتح القلبدیر، ج ۴، ص ۲۸۰.
 ۱۲. برای مشاهده احادیث متعدد در این باره، رک: ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۳-۲۴.

دانست و از آن به عنوان توسل بهره برد؟

هر چند از همان نخستین سال‌های پیدایش این خبر، بحث‌های فراوانی درباره صحت یا عدم صحت آن طرح گردید، اما آن‌چه زمینه را برای تحقیق حاضر به وجود آورد، ظهور دوباره مجادلات درباره این حدیث در یک دهه گذشته است. باید تأکید نمود که در این جا، مسأله اثبات یا رد حدیث و یا طرح تفصیلی آرای دو جریان موافق و مخالف مقصود نیست، بلکه تلاش می‌شود تا یک سیر کلی از دیدگاه‌ها و مناقشات پیش آمده درباره این حدیث به دست داده شود. البته گاه پا را فراتر نهاده و به استنادات دو طرف مراجعه و صحت و سقم آن مشخص شود. شایان ذکر است که گذشت بیش از دو قرن از پیدایش این حدیث و عدم ثبت رخدادهای مربوط به آن تا دوره معاصر، سبب شده تا بخش قابل توجهی از تحقیق نیز به کنش‌ها و واکنش‌های صورت گرفته در یک دهه گذشته اختصاص یابد.

طریحی و روایت تازه حدیث کساء

بررسی منابع واقعه کساء نشان می‌دهد که هیچ‌یک از اخبار، یک جا به همه زوایای رویداد اشاره ندارد. با این حال، برای نخستین بار پس از قرن‌ها، این واقعه در کتاب *المنتخب فی جمع المراثی والخطب*، نوشته فخرالدین بن محمد بن علی، مشهور به شیخ طریحی (م ۱۰۸۵ یا ۱۰۸۷ق)^{۱۳} با ارائه تصویری از زوایای مختلف واقعه و در قالب حدیثی از حضرت زهرا علیها السلام نقل گردید.^{۱۴} نگارنده این اثر، از عالمای نجف است که بیش از هر چیز با کتاب

۱۳. *ریاض العلماء وفات وی را ۱۰۸۵ و ماضی النجف وفات او را دو سال عقب تر ذکر نموده است (ریاض العلماء، ج ۴، ص ۴۱۱؛ ماضی النجف، ج ۲، ص ۴۵۷).*

۱۴. مطابق روایت شیخ طریحی، پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که حضرت زهرا علیها السلام احساس ضعف در بدن خود دارد، بروی وارد می‌شود. دخت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به دستور پدر، «کساء یمانی» را نزد حضرت آورده و پیامبر صلی الله علیه و آله، در حالی که صورت ایشان همچون ماه می‌درخشید، در زیر آن قرار گرفت. سپس امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و امام علی علیه السلام به ترتیب و هر یک پس از مدتی کوتاه وارد منزل شده، پس از ورود، از استشمام رایحه حضرت رسول صلی الله علیه و آله متوجه ایشان شده و سپس با دستور پیامبر صلی الله علیه و آله در زیر کساء قرار می‌گیرند. از تمامی واردشدگان به زیر کساء با صفات و مدارج بلندی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله استقبال می‌شود. پس از آن که حضرت زهرا علیها السلام نیز به آنان پیوست، پیامبر صلی الله علیه و آله دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده و خطاب به پروردگار، آنان را اهل بیت خود می‌خواند. بخش دیگر حدیث به سخنان رد و بدل شده میان خداوند و جبرئیل اشاره دارد و مطابق این گفت‌وگو، وجود همه کائنات به خاطر مقام و وجود اصحاب کساء دانسته می‌شود. سپس جبرئیل نیز اذن ورود در جمع اهل بیت علیهم السلام را از پروردگار گرفته، به زیر عبا وارد شده و در این هنگام، آیه تطهیر نازل می‌گردد. پایان بخش حدیث، سخنی از پیامبر صلی الله علیه و آله است که مطابق با آن، مؤمنانی که این خبر را در مجالس و محافل خود ذکر نمایند، مشمول رحمت و مغفرت الهی قرار خواهند گرفت (*المنتخب*، ص ۲۵۵-۲۵۷).

مجمع البحرین - که در آن به توضیح واژگان مشکل و غریب قرآن و حدیث پرداخته - شناخته می شود.^{۱۵}

یکی از عواملی که سبب شهرت یافتن این اثر در بین شیعیان شد، شهرت و مقبولیت آل طریح،^{۱۶} از خانواده های عالم پرور شیعه بود. علاوه بر آن، آثار شیخ طریحی به دلیل نگارش آثار متعدد - که برخی از آن ها در روش دارای نوآوری و کارآمدی بود - مورد توجه علما قرار گرفت.^{۱۷} در چگونگی ترویج آثار وی نمی توان به نقش شهرت در منش و رفتار اخلاقی او اشاره نکرد؛ برای نمونه میرزا عبدالله افندی (م ح ۱۱۳۰ ق)، که با او آشنایی دارد، برویگی های جذّاب شخصیت وی اصرار نموده و در کتاب *ریاض العلماء*، وی را عابدترین و باتقواترین و اهل زمان خود خوانده است.^{۱۸} گویا همین امور سبب شد تا تشیع جنازه وی، بزرگ ترین و مهم ترین روز برای مردم شهر نجف خوانده شود.^{۱۹} افندی به عامل دیگر گسترش کتاب *المنتخب* تصریح نموده و تأکید می کند که متأخران زمان ما کتابی را که مربوط به جلسات شیخ در باب اهل بیت علیهم السلام بود، دست به دست نموده، و از شهری به شهر دیگر منتقل می کردند.^{۲۰}

این اثر دارای دو بخش کلی و هریک بخش، شامل ده مجلس و هر مجلس، شامل چند باب است. ساختار کتاب نشان می دهد که مباحث مطرح شده در جلسات عمومی - که با خطابه شیخ طریحی همراه بوده است - مدتی بعد جمع آوری و تبویب شده است. در توضیح محتوای کتاب *المنتخب*، باید آن را کتابی مشتمل بر مرثیه ها و خطبه ها در منقبت اهل بیت علیهم السلام خواند که با وجود مرسل بودن بیشتر احادیثش، به دلیل پاسخ گویی به نیازمندی های شیعه عادی و عامی در دوره اخیر صفوی، مورد توجه قرار گرفت. نکته کلیدی که از واژه «المراثی» - که در عنوان کتاب ذکر شده - می توان فهمید آن است که قصد طریحی

۱۵. برای اطلاع بیشتر درباره شخصیت و جایگاه وی، رک: مجمع البحرین، ص ۱-۱۸.

۱۶. آل طریح از تبار علم، فضل، ادب و تقوا، در نجف، و از قدیمی ترین و مشهورترین و ریشه دارترین خانواده ها در مجد و شرف است. زمانی که رجال علم و اصلاح را بشمرند، خاندانی معروف تر از آنان در نجف نیست (پژوهشی درباره کتاب *عولم*، ص ۶).

۱۷. اشکوری، مصحح کتاب مجمع البحرین، با اشاره به این دو وییگی، با شمردن اسامی کتب وی، او را فقیهی بزرگ و مسلط به علوم عقلی و نقلی و مباحث رجال، تراجم و احوال راویان دانسته است (مجمع البحرین، ص ۸).

۱۸. *ریاض العلماء و حیاة الفضلاء*، ج ۴، ص ۴۱۳.

۱۹. *ماضی النجف و حاضرها*، ج ۲، ص ۴۵۷.

۲۰. همان، ص ۴۱۴.

در این کتاب نقل عین اخبار نبوده و مقصود وی انتقال داستانی به روز و با ساختاری شورانگیز و مناسب مرثیه خوانی^{۲۱} بوده است. این موضوع با بررسی چند خبر از این کتاب به خوبی نمایان می‌گردد؛ برای نمونه خبری درباره شهادت زید بن علی (م ۱۲۱ق) از ابو حمزه ثمالی (م نیمه قرن ۲ق) نقل می‌شود که از جهت محتوا با منبع اولیه آن، یعنی تفسیر ابی حمزه اختلاف دارد^{۲۲} و یا خبری از حضرت رسول ﷺ مبنی بر خبر دادن جبرئیل به آن حضرت از زمین کربلا طرح می‌شود. این خبر نیز از جهت محتوا با آن چه در منبع اصلی آن آمده، اختلاف زیادی دارد.^{۲۳} شواهدی این چنین سبب شده است تا برخی محققان معاصر، بر این باور باشند که شیخ طریحی این کتاب را در جوانی و برای آمادگی خود در جلسات مرثیه خوانی نوشته است و از این که بعدها این کتاب به دست دیگران افتاده و استنساخ شده، ناراضی و ناراحت بوده است.^{۲۴} می‌توان گفت حدیث مورد نظر از جمله متونی است که در دوره‌های گذشته به عنوان آثار تاریخی شناخته می‌شد، اما امروزه به دلایل مختلف نمی‌توان آن‌ها را تاریخی دانست.^{۲۵}

روایت مورد بحث از حدیث کساء پیش از دوره معاصر

بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی بازگشت نص‌گرایی به جامعه امامیه در عصر صفوی، دلیل استقبال از حدیث کسای شیخ طریحی را نمایان تر خواهد نمود. از عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری اخباری‌گری، اختلافات فرقه‌ای و اوج گرفتن واگرایی میان شیعیان و اهل سنت در این دوره است^{۲۶} که بخش قابل توجهی از آن به تنش میان دو حکومت صفوی

۲۱. در این نوع بیان، برای برانگیختن احساسات مخاطب از راه‌های مختلف سمعی و بصری استفاده می‌شود و بنایی بر طرح عین آن چه رخ داده، وجود ندارد (درباره این لغت، رک: کتاب العین، ج ۸، ص ۲۳۴). از این رو، طریحی در تمامی جلسات از عباراتی چون «ایها المؤمنون المخلصون»، «ایها الامناء الصالحون»، «اعلموا...»، «فانظروا یا خوانی الی...»، «یا اخوانی کیف لانبکی...» و «یا اخوانی کیف الصبر علی...» که عباراتی برای شروع مرثیه خوانی است استفاده می‌کند (المنتخب، ص ۵، ۸، ۱۸، ۲۳ و...).

۲۲. مقایسه کنید: تفسیر ابی حمزه الثمالی، ص ۷۳؛ المنتخب، ص ۳۸۷ و یا مقایسه کنید: مکارم الاخلاق، ص ۳۱۸؛ المنتخب، ص ۳۸۸.

۲۳. مقایسه کنید: مثیر الاحزان، ص ۹؛ المنتخب، ص ۲۳۰.

۲۴. جلسه «بررسی تحلیلی سیر مقتل نگاری عاشورا» در سلسله جلسات نظریه‌پردازی موسسه فهیم.

۲۵. این ویژگی‌ای است که برای بسیاری از مقاتل داستانی عصر صفوی می‌توان به کار برد (تاریخ خلفا و مقتل امام حسین علیه السلام، ص ۶۲).

۲۶. اخباری‌گری، ص ۶۵.

و عثمانی برمی‌گردد.^{۲۷} صفویان پیروزی‌های خود را در میان ایرانیان، وام‌دار حس عمیق مردم نسبت به این دولت به عنوان پاسدار مذهب تشیع می‌دیدند و به همین دلیل، در طول دو قرن، به طور مداوم تعامل بسیار خوبی با عالمان شیعه، به ویژه مؤلفان شیعی که در حوزه امامت قلم می‌زدند، داشتند. به همین دلیل، آنان پشتیبانی از آن دسته از عالمان را که در ابراز تشیع اصرار بیشتری ورزیده و به خصوص با تمسک به اخبار شیعی در این باره خود را مصمم تر نشان می‌دادند، وظیفه خود می‌دانستند.^{۲۸} طبیعی است که با اوج‌گیری اختلافات مذهبی، عالمان هر گروه، بر ادله موجود در منابع طرف مقابل پافشاری و تلاش در جا افتادن این ادله در اذهان عمومی داشتند. در همین شرایط، بسیاری از علمای شیعه با تساهل در نقل احادیث ضعیف یا بی‌سند و با پشتوانه جایگاه علمی شان، زمینه تسلط رویکرد نص‌گرایی را فراهم آوردند.^{۲۹}

حدیث کساء - چنان‌که در مقدمه ذکر شد - از جمله دلایل حقانیت شیعه بود و بدیهی است که در این شرایط، طرح واقعه کساء در قالبی داستانی از سوی یکی از علمای مشهور شیعه، به خوبی می‌توانست اهداف یاد شده صفویان را نیز تحقق بخشد. توجه به این نکته - که حتی بسیاری اصولیان نیز، به رغم پافشاری بر مواضع خود در مباحث فقهی، در حوزه تاریخ رویه‌ای شبه اخباری را برگزیدند^{۳۰} - نشان می‌دهد که نمی‌توان علت پدید آمدن این متن را صرف اخباری بودن مؤلف آن خواند، بلکه تسلط قواعدی چون «تسامح در ادله سنن» یا «جبران ضعف سند به واسطه شهرت راوی» را باید از عوامل کلیدی شکل‌گیری و استقبال از این متن دانست.^{۳۱} بررسی کتب برجای مانده این دوره نشان می‌دهد که این‌گونه قواعد بیشترین آسیب را به آن بخش از تاریخ‌نگاری زد که با صورت داستانی، نقل جزئیات و تأکید بر عنصر عاطفه و با هدف رفع نیاز عمومی نگاشته می‌شد.

شاید بتوان نخستین ظهور اختلاف بر سر این حدیث را با طرح دیدگاه علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ق) و شاگردان وی دانست. در کتاب *بحار الانوار* - که با هدف جمع‌آوری آثار

۲۷. از جمله شواهد این تنش مهاجرت علمای شیعه به ایران و تشدید دفع ورود آنان به قلمرو عثمانی است (تاریخ

حدیث شیعه در سده هشتم تا یازدهم، ص ۲۷۹).

۲۸. *خانقاه‌سازی در قرن ۷ تا ۹*، ص ۲۶۸-۲۷۲.

۲۹. *اخباری‌گری*، ص ۶۹.

۳۰. *درایت و روایت در هدف نگاری قیام عاشورا*، ص ۶۵.

۳۱. درباره این قواعد و اثر آن بر شکل‌گیری متون مرثیه در این دوره، رک: همان، ص ۶۱.

و روایات شیعه، و نه گردآوری روایات صحیح و متقن نگاشته شد - از حدیث کسای جدید سخنی به میان نیامد؛ اما شاگردش، شیخ عبدالله بحرانی (م ۱۱۳۵ق)،^{۳۲} نه تنها این حدیث را در کتاب *عوامل العلوم* ذکر نمود، بلکه برای نخستین بار از سند و مصدری نو برای آن پرده برداشت تا این حدیث بیش از گذشته مقبولیت یابد.^{۳۳} توجه به دو نکته در تحلیل این اقدام شیخ بحرانی مهم است: نخست، آن که وی از علمای مشهور زمان خود نبوده، زیرا با مراجعه به کتب تراجم نگاشته شده در قرن دوازدهم و سیزدهم و حتی برخی تراجم چون *لؤلؤ البحرین* - که به شرح احوال علمای بحرین در این دوره پرداختند - سخن و نامی از وی نیامده است. بنا بر این، شهرت وی را می‌توان به دلیل باقی ماندن کتاب‌هایش دانست که بخش قابل توجهی از آن اکنون تنها به صورت نسخه خطی در برخی کتابخانه‌ها وجود دارد. نکته مهم دیگر، آن که بحرانی از جهت نگرش اخباری‌گری بسیار شدیدتر از استاد خود بوده است؛^{۳۴} چنان‌که وی بسیاری از معارف عقلی کتاب *بحار الانوار* را در نگارش *عوامل العلوم* حذف کرده^{۳۵} و یا تلاش نموده تا برای برخی اخبار از کتب پیشین مصادری را فراهم و ارائه دهد.^{۳۶}

با این حال، گذشت زمان و تغییر نسبی در رویکرد علمای شیعه و ورود جدی علما به عرصه نقد روایات، سبب شد تا این مسأله که «محتوای کتبی چون *المنتخب* تا چه اندازه قابل اعتماد است؟»، ذهن اندیشوران را نیز به خود مشغول کند و به دنبال آن، این پرسش مطرح گردد که آیا مؤلف کتاب *المنتخب* در طرح مناقب و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام - که ظرفیت نفوذ و ورود گسترده گروه‌های انحرافی را به همراه دارد - توانسته کتاب خود را از هر گونه شائبه‌ای، از اقدامات غالیانه گرفته تا جعل یا دادن شکل داستانی و رازگونه به وقایع، به دور نگاه دارد یا همچون بسیاری موارد، بدون در نظر گرفتن چنین مباحثی، هم خود را حل نیاز شیعه و پاسخ‌گویی به آنان دانسته است؟

مطالعات از سوی برخی علمای بزرگ نشان داد که این کتاب با ساختاری کشکول‌گونه و در موارد متعدد به صورت نامستند و بدون تحقیقی جامع تألیف شده است. بنا بر این،

۳۲. درباره بیش از بیست سال شاگردی وی نزد علامه مجلسی، رک: پژوهشی درباره کتاب *عوامل*، ص ۷.

۳۳. *عوامل العلوم*، ج ۲، ص ۹۲۷.

۳۴. *طبقات اعلام الشیعه*، ج ۶، ص ۴۵۲.

۳۵. همان.

۳۶. برای مشاهده برخی موارد از این دست، رک: پژوهشی درباره کتاب *عوامل*، ص ۹-۱۲.

محدث نوری (م ۱۳۲۰ق) المنتخب طریحی را مشتمل بر مطالب موهون و غیر موهون دانست^{۳۷} و یا مرحوم میرزا محمد ارباب (م ۱۳۴۱ق) تأکید نمود که در کتاب المنتخب، مسامحات بسیار به کار رفته و روایت مختص به آن اعتباری ندارد.^{۳۸}

البته در همین دوره نیز برخی علما با طرح احتمالاتی، برای حفظ حدیث شهرت یافته کساء و ترویج آن تلاش کردند؛ برای نمونه، صاحب عروه (م ۱۳۳۷ق) در پاسخ سؤالی، اعلام نمود که این خبر با آن که مرسل است، در شمار اخبار دیگر نقل شده از واقعه کساء بوده و ارسال آن ضروری به صحت آن نمی‌رساند.^{۳۹} برخی دیگر از محدثان این دوره نیز برای ترویج بیشتر این گونه متون، به جمع‌آوری و یا نگارش شرح بر آن پرداختند که از آخرین موارد می‌توان از التحفة الکسائیة، نوشته شیخ بافقی یزدی (م ۱۳۱۰ق) و کشف الغطاء عن حدیث الکساء، نوشته شیخ علی آل عبدالغفار کشمیری (م ۱۳۴۵ق) یاد کرد.

محدث قمی (م ۱۳۵۹ق)، از آخرین محققان عصریاد شده و نویسنده پرخواننده‌ترین کتاب ادعیه، یعنی مفاتیح الجنان نظری خلاف این داشت. او - که از دغدغه‌هایش جلوگیری از راه‌یابی و نفوذ خرافه و تحریف به مراثی، ادعیه و زیارت‌نامه‌ها بود - درباره یکی از اخبار کتاب المنتخب نوشت:

ذاکرین مصائب، باک از اختراع وقایع مبکیه ندارند. بسا باشد که اختراع سخنی کند و خود را مشمول حدیث من ابکی فله الجنة می‌داند و به طول زمان همان حرف دروغ شیوعی در تألیفات جدید پیدا کند و هرگاه محدث مطلع امین منع از آن اکاذیب نماید، نسبت به کتابی مطبوع یا به کلامی مسموع دهد، یا تمسک به قاعده تسامح در ادله سنن، و دست‌آویز نقل‌های ضعیف قرار دهد.^{۴۰}

مرحوم قمی با همین گرایش، حدیث مورد بحث از واقعه کساء را در کتاب مفاتیح الجنان نیاورد و تصریح نمود که:

حدیث کساء به این کیفیت در کتب معروف و اصول حدیث و مجامع متقن

۳۷. لؤلؤ و مرجان، ص ۲۸۷.

۳۸. عاشورانه‌پژوهی با رویکردی به تحریف‌شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام، ص ۷۱.

۳۹. سؤال و جواب للسید الیزدی، ص ۲۳۲.

۴۰. الدرر، ج ۲۲، ص ۴۲۰.

قابل مشاهده نیست و می‌توان گفت که از خصائص کتاب *المنتخب* است.^{۴۱}

نیز باید توجه داشت که شیخ عباس قمی از شاگردان مکتب میرزای نوری بوده و این نیز یکی از دلایل مهم بی‌توجهی او به این روایت از حدیث از کساء است؛ چرا که در این زمینه وی از استاد خود و مکتب او پیروی کرده است. میرزای نوری با کتاب *لؤلؤ و مرجان* شناخته می‌شود که در نقد روایات داستانی عاشورا و روضه خوانان است. این گرایش را شیخ عباس قمی، در مقدمه *نفس المهموم* نیز دارد و نسبت به روایت داستانی کربلا - که منسوب به ابومخنف است - موضع منفی دارد.

توجه به این نکته خالی از فایده نیست که پس از عصر صفوی این حدیث کم و بیش میان علمای منبری شهرت داشته است. ملا زلفعلی کرونلی (م ۱۲۹۰ ش)، شاعر مشهور بختیاری، آن را به مثابه یکی از اعتقادات و مناسک شیعیان و به صورت یک منظومه بلند به زبان لری بختیاری به شعر در آورده است.^{۴۲} جالب است که حتی خوشنویسان این عصر به نگارش این حدیث اهتمام ورزیدند؛ چنان‌که یکی از منشیان دربار ناصرالدین شاه (م ۱۲۷۵ ش)، اثری گران بها با عنوان *حدیث کساء منظوم* پدید آورد.^{۴۳}

باورمندان به ضعف حدیث در دهه گذشته

اختلافات در بین دو دیدگاه یاد شده هیچ‌گاه موجب غلبه یکی از آن‌ها بر دیگری نشده و مسأله اختلاف، سبب نشد تا نگرانی خاصی در منازعات داخلی جامعه شیعه پدید آید تا آن‌که در اوایل دهه هشتاد خورشیدی این مسأله سبب انگیزش اختلافاتی در میان اهل نظر و عامه مردم شد. در ابتدای سال ۱۳۸۳ ش در گفت‌وگویی که با حجة الاسلام و المسلمین ری شهری در موضوع اخبار مشهور اما غیر مستند شد، وی اعلام نمود که حدیث کسای مورد بحث، از نظر متن و سند دارای اشکال است. وی پیشینه تاریخی این خبر را حدود دویست سال دانست و اضافه شدن حدیث در کتاب *مفاتیح* را - که شیخ عباس قمی آن را به عمد کنار گذاشته بود - اقدامی از سوی متاخران دانست. همچنین با توجه به مقبولیت علامه مجلسی در نظر و دیدگاه جریان اخباری، تصریح نمود که حتی علامه هم خبر مورد نظر را در

۴۱. *مفاتیح الجنان*، مقدمه بخش ملحقات.

۴۲. این قصیده با نام حدیث کساء ۱۳۲ بیت دارد و نخستین بار در سال ۱۹۲۷ م در روسیه به چاپ رسیده است. (پژوهشی در منظومه حدیث کساء به زبان لری بختیاری).

۴۳. فهرست خوشنویسان دوران قاجار تا معاصر، ذیل نام وی.

کتاب بحار الانوار نیاورده است. وی که از دیدگاه موافقان حدیث مطلع بود و می دانست که آنان حدیث کساء را در برابر اهل سنت و برای پاسخ به شبهات آنان به کار می گیرند، این نکته را طرح کرد که حدیث کسای مقبول نزد شیعه و سنی در خانه «ام سلمه» رخ داده است، و در صورتی که حدیث جدید را صحیح بدانیم، به معنای وقوع این ماجرا در خانه حضرت زهرا علیها السلام خواهد بود و دیگر امکان احتجاج با اهل سنت از بین خواهد رفت.^{۴۴}

مدتی بعد، برخی رسانه ها از حذف حدیث کسای مورد نظر از کتب مفاتیح الجنان آستان حضرت عبدالعظیم علیه السلام - که حجة الاسلام والمسلمین ری شهری مسئولیت آن را بر عهده داشت - خبر دادند. این امر واکنش ها را دوچندان نمود و موجب شد تا یکی از سایت های خبری با معاون پژوهشی دانشکده علوم حدیث به گفت و گو بپردازد. او نیز در این گفت و گو به رد شایعات و پاسخ به قائلان صحت حدیث پرداخت.^{۴۵}

البته پیش از اظهارات حجة الاسلام والمسلمین ری شهری برخی صاحب نظران چنین دیدگاهی را درباره حدیث مورد نظر مطرح کرده بودند، اما هیچ گاه این گونه اسباب نارضایتی طرفداران اعتبار حدیث را پدید نیاورده بود. از مهم ترین این اندیشمندان، علامه عسکری (م ۱۳۸۶ ش)، محقق نام آور شیعه در چند دهه گذشته بود. وی در ابتدای سال ۱۳۸۳ ش، در یکی از مدرس علمیه قم، نظر خود را مبنی بر ضعف این خبر بیان کرد و به زودی اخبار آن به برخی عالمای قم رسید. پس از آن بود که برای جلوگیری از شایعات درباره ایشان، نامه ای از سوی شاگردان وی خطاب به علامه نوشته شد. در بخشی از این نامه آمده است:

... اخیراً کلمات متناقض و متضادی پیرامون سخنرانی شما ... نشر و پخش گردید که موجب تشویش افکار عمومی گشته و این امر، باعث نگرانی دوستان و ارادت مندان و شاگردان حضرتعالی شد که با سابقه بیش از نیم قرن شما در دفاع از حریم ولایت و مکتب اهل بیت علیهم السلام منافات دارد...^{۴۶}

علامه عسکری در پاسخ، بر سخنان خود تأکید و پس از ذکر تواتر و ضروری بودن واقعه کساء، روایت مورد بحث از حدیث کساء را روایتی بی سند خواند و شاگردان را به کتاب خود

۴۴. کیهان فرهنگی، ش ۲۱۲، ص ۱۷-۳۳.

۴۵. برای نمونه، این مسأله را که فرزند محدث قمی در حدیث کسا در مفاتیح الجنان را تأیید نموده، از قول وی تکذیب نمود (خبرگزاری مهر، چهارشنبه ۵ بهمن ۱۳۸۴).

با عنوان حدیث الكساء فی كتب مدرسه الخلفاء و مدرسه اهل البيت ارجاع داد^{۴۷} و پس از آن مناقشه قابل توجهی درباره دیدگاه علامه مطرح نشد. آیا این احتمال هست که حجة الاسلام و المسلمین ری شهری، در این زمینه متأثر از علامه عسکری بوده است؟ این احتمال البته وجود دارد.

فرد دیگری که به مخالفت با این حدیث پرداخت، حجة الاسلام و المسلمین صالحی نجف آبادی بود. هر چند اولین دیدگاه‌های وی در این باره در دهه ۴۰ خورشیدی مطرح شده است، اما بعدها نظرات او به طور کامل در کتاب حدیث‌های خیالی ارائه شد. وی حدیث شهرت یافته را «دارای انشای ضعیف»، «غیرفصیح»، «اسلوبی نامطلوب و رکیک و مشتمل بر کهنه»، «جعل شده توسط فردی غالی مسلک و کم‌مایه» و «جعل با هدف گسترش خبردر بین شیعه» دانست و به طور تفصیلی، اشکالات متعدد محتوایی و سندی وارد بر این حدیث را ارائه نمود.^{۴۸}

در این باره که چرا واکنش‌ها و مجادلات با طرح سخن توسط حجة الاسلام و المسلمین ری شهری اوج گرفت، در میان عوامل متعدد^{۴۹} باید به رسانه‌ای شدن این خبر و اوج گرفتن تردیدها در میان عموم مؤمنان و افرادی که تا به حال با اعتماد به وجود آن در کتاب محدث قمی و تأیید دیگر افراد، این حدیث را در بزرگ‌ترین جلسات مذهبی خود قرائت می‌نمودند و مراجعه متعدد آنان به علمای صاحب نام در این خصوص اشاره کرد.

با وجود تمامی واکنش‌های صورت گرفته، اصرار حجة الاسلام ری شهری بر اقدام پیشین همچنان ادامه یافت؛ چنان‌که روابط عمومی آستان حضرت عبدالعظیم علیه السلام بنا به دستور وی، نامه‌ای در این خصوص تنظیم و برای مداحان مشهور ارسال کرد و در آن، عدم مخالفت تولیت این آستان با اصل حدیث کساء و این‌که حدیث درج شده در مفاتیح

۴۷. همان.

۴۸. در مورد اشکالات، برای نمونه: «این حدیث در دوره‌ای جعل شده که هیئت بطلیمیوسی مورد قبول بوده است؛ زیرا در این حدیث از گردش فلک به دور زمین سخن رفته است... امروز این فرضیه از اساس باطل شده است، ولی سازنده حدیث کسای جعلی فرضیه هیئت بطلیمیوسی را از قول خدا نقل می‌کند.» و یا: «در مفاتیح چاپ انتشارات محدث سال ۱۳۷۸ قمری و قبل از نقل این حدیث جعلی، در بالای آن نوشته‌اند: «بسنده صحیح عن جابر بن عبدالله انصاری» و این یک دروغ بزرگ است و...» (حدیث‌های خیالی در مجمع البیان، ص ۹۴-۹۷).

۴۹. برای نمونه، اعلام کننده این نظر، علاوه بر وجاهت علمی، دارای قدرت اجرایی و رئیس یکی از بزرگ‌ترین مراکز حدیث پژوهی شیعه است و گفتار او می‌تواند از این جهت مؤثر واقع شود و یا آن‌که برای نخستین بار توسط وی اقدام عملی صورت گرفت و حدیث کساء با دستور وی از چاپ جدید کتاب مفاتیح الجنان حذف گردید.

الجنان حدیث اصلی نبوده و مجعول است، قید گردید.^{۵۰} با مراجعه مکرر اقشار مختلف، به ویژه طلاب، به مراجع در این باره، برخی از آنان نیز نظرات خود را مطرح نمودند. آیه الله ناصر مکارم شیرازی از جمله مراجعی بود که بر ضعف خبر تأکید نمود و نظری بعدها در کتاب *مفاتیح نوین* نیز به چاپ رسید. او اصل واقعه را از متواترات دانست، اما حدیث شهرت یافته را از خصائص کتاب *المنتخب* خواند و سندی را که یکی از شاگردان علامه مجلسی در کتاب *عوامل* طرح نموده، دارای اشکال دانست. البته وی بی اشکال بودن قرائت این حدیث را برای یادآوری و طرح مناقب اهل بیت علیهم السلام را نیز خاطر نشان نمود.^{۵۱} واکنش های شدید و متعدد از سوی برخی بزرگان حوزه سبب شد تا حجة الاسلام ری شهری با چاپ رساله ای با عنوان *پژوهشی درباره حدیث کساء* بار دیگر به دفاع از نظریات خود بپردازد.

شایان ذکر است که وی همواره بر قبول اصل حدیث تأکید می نمود تا با اخباری که به اشتباه از نظرات وی منعکس می شود، مقابله کند. وی در مقدمه این رساله - که در تاریخ ۱۳۸۴/۸/۷ نگاشته شد - از مطالبی که به او نسبت داده می شد، ابراز ناراحتی کرد و با ذکر بخشی از متن شیخ عباس قمی،^{۵۲} تلاش کرد تا ضرورت اقدام به حذف حدیث را از کتب *مفاتیح الجنان* گوشزد نماید. وی در پایان مقدمه نیز خطاب به محدث قمی جملاتی را نوشت^{۵۳} که حاکی از فشار و واکنش های تند جریان مقابل بود. در این کتاب، علاوه بر طرح ادله تفصیلی نظر مطرح شده، برای جلوگیری از هجمه ها و شایعات - که مطابق برخی از آن ها، وی را منکر ضروری مذهب می خواندند - بازسازی واقعه کساء بر اساس ساختار کلی

50 <http://aftabnews.ir/vdcfcdm.w6dv0agiiw.html>

۵۱. برای نمونه، سند این حدیث مطابق نسخه خطی موجود در کتابخانه بزد، در متن کتاب نبوده است، بلکه در حاشیه آن آمده است و خط آن نیز با خط متن، که دست خط صاحب عوالم است، متفاوت است. دیگر آن که برخی از افراد سلسله سند، حدود هشتاد سال با یکدیگر فاصله دارند. همچنین بعضی از افراد این سند در کتب رجالی توثیق نشده اند. (*مفاتیح نوین*، ص ۱۴۶-۱۴۹).

۵۲. در بخشی از این متن آمده است: «به خاطر رسید که در طبع دوم (*مفاتیح الجنان*)، بر آن (برخی ادعیه را) زیاد کنم، از جمله... لکن دیدم هرگاه این کار را کنم، فتح بابی شود برای تصرف در کتاب *مفاتیح*... و به لعنت خداوند قهار و نفرین رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام واگذار و حواله نمودم کسی را که در *مفاتیح*، تصرف کند» (*مفاتیح الجنان*، ابتدای بخش ملحقات).

۵۳. در بخشی از این متن آمده است: «ای محدث بزرگوار، سراز خاک بردار و با کمال شگفتی ببین که... آنچه را معتبر نمی دانستی، با نام «حدیث صحیح» بر آن افزودند! اکنون که می گوئیم *مفاتیح الجنان* باید *مفاتیح الجنان* باشد، از هر سو فریاد بلند می شود که: چرا؟!» (*پژوهشی در حدیث کساء*، ص ۸).

احادیث موجود در منابع نخستین را در دستور کار قرار داد.

در بخش پایانی رساله نیز به تفصیل، اشکالات سندی که توسط صاحب *عولم العلوم* ارائه گردید، بیان شد.^{۵۴} با همه تلاش‌های صورت گرفته، واکنش‌ها همچنان ادامه یافت تا آن جا که حجة الاسلام ری شهری در اواسط سال ۱۳۸۶ نیز بار دیگر در گفت‌وگو با مجله *همشهری* جمعه به ایراد سخن در این باره پرداخت و تلاش نمود تا با پاسخ به شایعات از هجمه‌ها و ادامه مناقشات جلوگیری نماید.^{۵۵}

واکنش‌های باورمندان به صحت حدیث

نوشته حاضر گنجایش بیان تمامی واکنش‌ها در مقابل جریان پیش گفته را ندارد و تنها به برخی نظرات و اقدامات این گروه اشاره خواهد کرد. از جمله باورمندان به صحت حدیث مورد نظر در بین مراجع، آیه الله میرزا جواد تبریزی (م ۱۳۸۵ش) بود. وی حدیث یاد شده را از مسلمات و مرتکزات در اذهان عموم مؤمنین، علما و اصحاب ائمه علیهم‌السلام دانست و از مصادیق «و ابتغوا الیه الوسیله» خواند.^{۵۶} همچنین در واکنش به خبر حذف این حدیث از کتاب *مفاتیح الجنان* تصریح نمود که:

حدیث معروف بین علما و مؤمنین، همان حدیث موجود در *مفاتیح الجنان* و بسیار مجرب است؛ و اگر در مواردی مانند این - که از مسلمات بین مؤمنین است - روایات زیادی در دسترس نباشد - که نه به جهت ضعف مطلب، بلکه به جهت وضوح مطلب و رسوخ آن در اذهان است - این خود کافی بوده و نیازی به نقل و ضبط ندارد.^{۵۷}

از دیگر باورمندان به صحت حدیث آیه الله سید علی حسینی میلانی بود که واکنش قابل

۵۴. برخی از اشکالات عبارتند از: «۱. تنها مستند سند مذکور، گفته شیخ عبدالله بحرانی است که بر فرض ثبوت، می‌گوید: «به خط سید هاشم بحرانی دیدم...»؛ ولی معلوم نیست چه کسی ضامن صحت تشخیص آن در این که آن خط، ضرورتاً خط سید هاشم بحرانی است، خواهد بود؟ ۲. سید هاشم بحرانی که این سند منسوب به اوست، این حدیث را در کتاب‌های خود (تفسیر البرهان و غایة المرام) نیاورده است... بلکه آنچه در این کتاب‌ها آورده، سنداً و متناً مخالف چیزی است که این خط به او نسبت می‌دهد؛ ۳. بسیاری از محدثان بزرگ شیعه، همچون: کلینی، طوسی، مفید، طبرسی و ابن شهر آشوب - که در این سلسله سند آمده‌اند - حدیث را چیزی غیر از حدیث شایع آورده‌اند (همان، ص ۳۲-۴۲).

۵۵. *همشهری جمعه*، شماره آذرماه ۱۳۸۶، «مصاحبه با حجة الاسلام ری شهری».

۵۶. درس‌هایی از آیه الله میرزا جواد تبریزی، ص ۱۷۸.

۵۷. همان.

توجهی در برابر جریان نخست نشان داد. وی با اعلام نظر خود - که بعدها در کتاب با پیشوایان هدایت‌گر منتشر شد - دلایل صحت خبر را در چند مرحله طرح نمود؛ برای نمونه، عبارت محدث قمی را نشانه بی‌پایه و اساس بودن حدیث کساء ندانست و یا تأکید نمود که وی سند موجود در کتاب *عوامل العلوم* را ندیده است. همچنین از همین رو، در قاعده‌ای کلی نیز اعلام نمود که هیچ‌گاه یک امر عدمی دلیل بر امر عدمی نمی‌شود که انسان برای اثبات یک امر عدمی به یک امر عدمی استدلال کند.^{۵۸}

از منتقدین دیگر جریان نخست، استاد حوزه علمیه احساء عربستان است که از تشکیک برخی افراد در اعتبار حدیث کساء به شدت انتقاد و هدف آنان را دور کردن شیعیان از معتقدات شان توصیف کرد و این‌گونه اقدامات را سبب گستاخی بیشتر دشمنان برضد شیعه دانست.^{۵۹} از دیگر باورمندان به اعتبار حدیث، آیه الله سید صادق روحانی بود که تلاش نمود تا با موثق دانستن یکی از روایان مشکوک، سند کتاب *عوامل*، یعنی قاسم بن یحیی، حدیث را صحیح بداند.^{۶۰}

در این بین، از جمله افرادی که نظریه‌ی بیش از دیگر علما مورد توجه روحانیون و عموم مردم قرار گرفت، آیه الله محمد تقی بهجت (م ۱۳۸۸ ش) از مراجع صاحب‌نام و مشهور به عرفان و اخلاق بود. پاسخ وی خیلی زود در رسانه‌های دیداری و شنیداری منتشر گردید و تا حد زیادی سبب دلگرمی دوباره معتقدان به حدیث و آثار و برکات آن شد. وی با تأکید بر ویژگی‌های منحصر به فرد محتوای این حدیث، بر محتوای اعجازگونه آن تأکید نمود.^{۶۱}

آیه الله سید محمد علی موحد ابطحی، از دیگر شخصیت‌های این جریان بود که با نگارش کتاب *حدیث کساء و آثار شگفت آن*، علاوه بر ذکر دلایل متعدد، اعلام کرد که متن این حدیث در کتاب *غرر الاخبار و درر الآثار* نیز وجود دارد.^{۶۲} وی همچنین به سند جدید برای این حدیث به نقل از، آیه الله سید صادق شیرازی، یکی از مراجع شیعه اشاره کرد.^{۶۳} شایان ذکر است که مراجعه به کتاب حسن بن ابی الحسن علی بن محمد دیلمی (م اوایل

۵۸. پیشوایان هدایت‌گر، ج ۲، بخش چهارم.

59. <http://deabel.org/vdch6knz.23nxidfft2.txt>

60. <http://www.rohani.ir/fa/print/news/515>.

61. <http://shabestan.ir/detail/News/444741>.

۶۲. مجله خورشید مکه، شماره ۴۲، ص ۱۶-۲۴.

۶۳. همان.

قرن ۸ق) با عنوان کامل *غرر الاخبار و درر الآثار فی مناقب ابی الاثمۃ الاطهار* نشان داد که وی واقعه کساء را در چند خط کوتاه آورده است و مقایسه این خبر با حدیث کساء شهرت یافته نشان می‌دهد که این خبر تنها بخش بسیار کوتاهی از محتوای حدیث یاد شده است و نمی‌تواند اثبات کننده تمام آن باشد. همچنین باید توجه داشت که این فقرات نیز به صورت مرسل در این کتاب ذکر شده است. جالب است که سند ارائه شده توسط آیه الله شیرازی نیز در هیچ یک از کتب مسلمانان از ابتدا تا به حال وجود ندارد و برای نخستین بار ارائه گردید.

از میان محققان آثار روایی و مترجمان آن‌ها، حسین استاد ولی نیز از مترجمان و حدیث شناسانی بود که بر صحت سند کتاب *عوامل* تأکید نمود و فقرات اضافه شده در محتوا را دارای جنبه تکمیلی و نه تعارضی دانست. وی بر این مطلب فراموش شده تأکید نمود که این حدیث به عنوان دعا مطرح نیست تا بر هر یک از کلمات آن تکیه شود، بلکه مقصود ترویج مطالعه آن در بین شیعیان بوده است.^{۶۴}

گذشته از اظهارات علما و محققان، افکار عمومی نسبت به این مسأله حساسیت خاصی از خود نشان داد؛ برای نمونه خبرگزاری‌ها و وبلاگ‌های شخصی تلاش کردند تا در برابر دیدگاه جریان نخست واکنش نشان دهند. پایگاه‌های خبری «مفلحون»، «ولیکه الشیعه»، «ثقلین» و «قدس آنلین» برخی از آن‌ها بود. همچنین بخش قابل توجهی از واکنش‌ها از سوی عموم مردم - که در بیشتر آن‌ها به مضمون بلند حدیث، آثار معنوی آن، دلایلی در صحت حدیث و توصیه به بازگشت از انحراف پیش آمده، اشاره داشت - در سایت‌های مختلف درج گردید.^{۶۵}

دفاع از پایان‌نامه‌ای با عنوان «حدیث کساء نزد شیعه» در دانشگاه خوارزمی^{۶۶} و تألیف کتابی با عنوان *پژوهشی در حدیث کساء* از دیگر اقدامات مکتوب از سوی این جریان فکری و با انگیزه حفظ میراث شیعه تلقی می‌شود. نویسنده کتاب یاد شده توانست تا با ارسال سؤال

۶۴. برای اطلاع از نظریات وی، رک: حدیث کساء و منزلت آن.

۶۵. برای نمونه: «اولیای الهی و شیعیان با تمسک به این نسخه از حدیث کساء مکرراً به نتیجه رسیده‌اند و خوب است که با تأمل و تحقیق دقیق‌تری نظر خود را بفرمایند»، «فقط شما کافی است ببینید که وقت خواندن حدیث شریف کساء که در هر شب شنبه تا مدتی قبل توفیق خواندن آن را در منزل داشتیم و حدیث شریف را به پنج قسمت تقسیم کرده و می‌خواندیم، شاید سریک کلمه کم و زیاد خواندن بین بچه‌ها دعوا بود. شما را به خدا به هر نیتی توسط هر کسی با اعتقادات مردم کاری نداشته باشید» و یا «جناب استاد ری شهری، به فکر فردای قیامت‌مان هم باشیم دل امام زمان را روز به روز با کارها و حرف‌های جدیدمان به درد نیاوریم» (<http://shianew.blogfa.com/post/39>).

66. <http://daralsadegh.blogfa.com/post/71>

به دفتر مراجع و علمای شیعه، دست خط و نظر بسیاری از آنان را درباره حدیث، مبنی بر مقبولیت حدیث کساء، در این کتاب ارائه دهد^{۶۷} که البته در موارد متعدد در دست خط علما، نامی از حدیث کساء مورد نظر نیامده است و یا عبارات مبهمی ذکر شده که دلالت صریح بر اعتبار این روایت ندارد.

از جمله شواهدی که در این کتاب و برای خروج حدیث از ذیل عنوان «شاذ» آمده، نسخه خطی ۱۴ صفحه‌ای در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی به شماره ۸۹۵۴ است. مراجعه به این نسخه خطی نشان داد که خط نگارش این اثر بی تردید مربوط به دوره قاجار بوده و در ثبت سال نگارش نسخه اشتباه رخ داده است.

درباره بازخورد مباحثات دو جریان فکری باید گفت تغییری در برنامه‌های عمومی و حتی رسانه‌ای رسمی کشور پدید نیامد. در حال حاضر همچنان اطلاعیه‌های مختلفی در فضای حقیقی و مجازی در مورد جلسات قرائت حدیث کسای مورد نظر و آثار و برکات آن منتشر می‌شود.^{۶۸}

نکته پایانی آن که، مطابق معمول، از پیامدهای این‌گونه اختلافات بین علمای شیعه، برداشت سوء فرقه‌های انحرافی بر ضد شیعه بود که برای نمونه می‌توان از شخصی‌وهایی به نام ابوبکر حسین نام برد که در رساله‌ای با نام جعل روایت در عصر حاضر در مکتب شیعه به گواهی خودشان به این امر دامن زد. البته این موضوع سبب واکنش و پاسخ قابل قبول شیعیان شد.^{۶۹}

نتیجه

واقعه کساء به طور متعدد در منابع نخستین شیعه و سنی نقل شده و همواره از سوی علمای شیعه به عنوان یکی از ادله حقانیت مذهب نقل می‌شد تا آن‌که برای نخستین بار شیخ طریحی این واقعه را در قالب مرثیه و به صورت داستانی و شورانگیز نقل نمود تا بیشتر در مجالس توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و توسط عموم مورد استقبال قرار گیرد. این خبر به دلیل

۶۷. برخی از این مراجع تقلید و محققان عبارتند از: آقایان وحید خراسانی، سیستانی، صافی گلپایگانی، بشیرنجفی، اسحاق فیاض، سید تقی طباطبایی قمی، میرزا جواد تبریزی، سید محمد حسینی شاهرودی، مدنی تبریزی، شمس الدین واعظی، علاء الدین غریفی، سید محمد سعید حکیم، علوی گرگانی، موسوی اردبیلی، محمد تقی مجلسی، عزالدین زنجانی، یثربی، محمد سند بحرانی، شیخ هادی نجفی، مستجابی، میردامادی، سید علی حسینی صدر، بهشتی اصفهانی، ملک حسینی و حقیقت (پژوهشی در حدیث کساء، ص ۱۵۱-۱۷۱).

68. <http://anjoman.tebyan.net/newindex.aspx?pid=17257&threadID=546516>

69. <http://mmoosa.blogfa.com/tag>

شهرت خاندان طریحی، مقبولیت وی نزد علما، تلاش شاگردان وی برای انتشار کتب مرثیه، محتوای پربار خبر در مناقب اهل بیت علیهم‌السلام، اهمیت نقل و توسعه چنین اخباری در عصر صفوی و از همه مهم‌تر تسلط برخی قواعد چون «تسامح در ادله سنن» و «جبران ضعف سند به واسطه شهرت راوی» در میان شیعیان به طور گسترده رواج یافت. مدتی بعد جریان فکری معتقد به ضرورت مقابله با اخبار ضعیف، این حدیث را بدون پیشینه، منبع و اسناد دیگر ارائه شده برای آن را فاقد اعتبار، برخی بخش‌های محتوای آن را غیر قابل اعتماد و ذکر آن در منابع ادعیه را غیر موجه دانست و دلایل متعددی را در این باره طرح نمود؛ که از آن جمله می‌توان به علامه مجلسی، محدث نوری و محدث قمی اشاره نمود. ادامه یافتن رواج این خبر در بین شیعیان سبب شد تا در یک دهه گذشته تلاش برای حذف این‌گونه اخبار - که از سوی جریان یاد شده نامعتبر خوانده می‌شد - دنبال شود. از جمله طرفداران آن حجة الاسلام ری شهری، علامه عسکری و برخی مراجع تقلید بودند. همین امر واکنش قابل توجهی را از سوی برخی علما، روحانیون و عموم مردم به دنبال داشت و تلاش شد تا با استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری و ارائه دلایل جدید برای این دفاع از پیشینه و مضامین این خبر، شرح محتوای مناقب موجود در خبر، انتشار دست خط برخی علما و مراجع درباره مجرب بودن خبر، نگارش پایان نامه، کتب و مقالات در صحت این خبر، در مقابل جریان یاد شده مقاومت شود.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- اخباری‌گری، ابراهیم بهشتی، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۲ ش.
- ارشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۱ ش.
- الامالی، محمد بن حسن طوسی، ترجمه: صادق حسن زاده، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸ ش.
- اهل بیت علیهم‌السلام در آیه تطهیر، جعفر مرتضی عاملی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
- بررسی مسائل کلی امامت، ابراهیم امینی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
- پژوهشی درباره حدیث کساء، محمد محمدی ری شهری، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، ۱۳۸۴ ش.
- پژوهشی در حدیث کساء، مهدی سلمان پور، قم: نشر علامه بهبهانی، ۱۳۹۱ ش.
- پژوهشی در منظومه حدیث کساء به زبان لری بختیاری، محسن حیدری، تهران: نشر تمی،

بی تا.

- پیشوایان هدایت گر، سید علی حسینی میلانی، قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
- تاریخ حدیث شیعه در سده هشتم تا یازدهم، علی نقی خدایاری، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹ ش.
- تاریخ خلفا و مقتل امام حسین علیه السلام، رسول جعفریان و محمد باقر وثوقی، تهران: نشر علم، ۱۳۹۳ ش.
- تفسیرابی حمزه الثمالی، ابو حمزه ثمالی، بیروت: دارالمفید، بی تا.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- التفسیر، فرات بن ابراهیم کوفی، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- جامع البیان، محمد بن جریر طبری، مشهد: شرکت به نشر، ۱۳۹۰ ش.
- حدیث کساء و منزلت آن، حسین استاد ولی، تهران: مرکز فرهنگی شبر، ۱۳۷۶ ش.
- حدیث های خیالی در مجمع البیان، نعمت الله صالحی نجف آبادی، تهران: نشر کویر، ۱۳۸۷ ش.
- الخصال، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- درایت و روایت در هدف نگاری قیام عاشورا، اسماعیل عامری، قم: انتشارات صحیفه خرد، ۱۳۹۴ ش.
- الذریعه، محمد حسین طهرانی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
- روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، محمود بن عبدالله آلوسی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ریاض العلماء و حیاة الفضلاء، عبدالله افندی، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ ق.
- السنن، محمد بن عیسی ترمذی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
- سؤال و جواب للسید الیزدی، سید محمد کاظم یزدی، تحقیق: مصطفی محقق و همکاران، تهران: مرکز نشرالعلوم الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ابوالقاسم حسکانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- طبقات اعلام الشیعه، محمد حسین طهرانی، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی،

- ۱۳۸۸ ش.
- عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف‌شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، محمد صحتی سرورودی، قم: نشر خادم الرضا، ۱۳۸۵ ش.
- عوالم العلوم، عبدالله بن نورالله بحرانی، قم: موسسه الامام المهدي، ۱۳۸۷ ش.
- فتح القدير، محمد بن علی شوکانی، بیروت: المكتبة العبيکان، ۱۴۱۸ ق.
- فهرست خوشنویسان دوران قاجار تا معاصر، حمیدرضا قلیچ خانی، بی‌جا، ۱۳۸۹ ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۹ ش.
- کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
- کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲ ش.
- لؤلؤ و مرجان، حسین بن محمد تقی نوری، تهران: برهان صادق، ۱۳۹۳ ش.
- ماضی النجف و حاضرها، باقر آل محبوبه، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۶ ق.
- مشیر الاحزان، جعفر بن ابی ابراهیم حلی، قم: نشر حاذق، ۱۳۸۰ ش.
- مجمع البحرين، فخرالدین محمد بن جریر طریحی، تصحیح: سید احمد اشکوری، تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵ ش.
- المسند، احمد بن حنبل، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۱۶ ق.
- مفاتیح الجنان، عباس قمی، قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸ ش.
- مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۱ ش.
- المنتخب، فخرالدین بن محمد طریحی، نجف: بی‌جا، ۱۳۷۳ ق.
- منتهی الآمال، عباس قمی، تهران: مبین اندیشه، ۱۳۹۰ ش.
- منهاج السنه، احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه، تحقیق: محمد رشاد سالم، سعودیه: دار النشر، ۱۴۰۶ ق.
- نهج الحق و کشف الصدق، حسن بن یوسف حلی، تهران: تاسوعا، ۱۳۷۹ ش.
- «پژوهشی درباره کتاب عوالم»، کاظم قاضی زاده، فصلنامه نامه مفید، ۱۳۸۸ ش، ش ۶.
- جلسه «سیرمقتل نگاری عاشورا در سلسله جلسات نظریه پردازی موسسه فهیم»، محمد هادی یوسفی غروی، در سال ۱۳۹۲ ش.
- «مصاحبه اختصاصی با سید علی ابطحی»، مجله خورشید مکه، ش ۴۲، ۱۳۸۵ ش.
- «مصاحبه اختصاصی با محمدی ری شهری»، کیهان فرهنگی، شماره ۲۱۲، تهران: موسسه

کیهان، ۱۳۸۳ ش.

«مصاحبه اختصاصی با محمد ری شهری»، همشهری جمعه، تهران: مؤسسه همشهری،

۱۳۸۶ ش.

_www.aftabnews.ir
_www.tebyan.net
_daralsadegh.blogfa.com
_www.deabel.org
_mmoosa.blogfa.com
_www.shabestan.ir
_shianew.blogfa.com
_www.rohani.ir
_www.pirastefar.ir